

اعجاز قرآن

درس سی ام

استاد: حجت الاسلام و المسلمین صادق نیا

آموزشیار: سرکار خانم حیدری

بسیاری از لطایف علم بدیع، زیبایی لفظی صرف نیست، بلکه قدر و منزلت سخن را بالا می برد و خود استوانه ای از استوانه های بلاغت و پایه ای از پایه های فصاحت است. قرآن کریم پر از ظرافت ها و زیبایی های بدیعی است که در دیدگاه آیت الله معرفت دهمین وجه از اعجاز بیانی قرآن، به حساب می آید . در این بخش، ابتدا معرفی مختصری درباره مهمترین کتابهای علم بدیع خواهیم داشت و سپس از بین صنایع بدیعی، سه صنعت آن را (که عبارتند از: تتمیم، استخدام و مذهب کلامی)، توضیح خواهیم داد .

صنایع بدیعی در قرآن :

در قرآن، آرایه های ادبی و محسنات بدیعی فراوانی به کاررفته و درباره آن کتاب های بسیاری نوشته شده است. از جمله می توان از «الاعجاز والایجاز» (نوشته ابومنصور ثعلبی) و «سرّ الفصاحة» (نوشته ابن سنان خفاجی) و «اسرار البلاغة و دلائل الاعجاز» (از عبدالقاهر جرجانی) و «الطراز» (نوشته یحیی بن حمزه علوی) و به خصوص کتاب «بدیع القرآن» (از ابن ابی الاصبغ) - که مهمترین کتاب ها در این زمینه است - نام برد.^۱ تعدادی از این صنایع بدیعی مانند: التفات، ایجاز، تخلّص واقتضاب، تتمیم و استخدام و مذهب کلامی، انواعی است که آیت الله معرفت آنها را می آورد، و در ادامه مذهب کلامی، به بحث استدلال در قرآن وارد می شود. که در این درس، برخی از آنها را ذکر می کنیم.

تتمیم :

«تتمیم» آن است که در کلام، کلمه ای بیاید که اگر حذف شود، اصل معنی یا اوصاف آن ناقص می شود، ولی الفاظش کامل است، و اگر آن کلمه در کلام موزون باشد، با حذف آن کلمه، هم وزن و هم معنای شعر، ناقص می شود، بنابراین آوردن آن کلمه، (در آن شعر) برای کامل کردن لفظ و معنی با هم است، و اگر آن کلمه در این شعر، فقط وزن را کامل کند، آوردن آن کلمه از قبیل «حشو معیوب» است.

افزودن کلمه، یا در کلامی است که اصل معنا و صفات آن، تام و کامل است، و یا بر جمله ای است که اینچنین نیست. اگر فرض اول تحقق یابد، تکمیل است، و اگر فرض دوم حاصل شود «تتمیم» است. و همانا بیشتر مولفان در این مورد اشتباه کرده اند، و تتمیم را از تکمیل بازشناخته اند.

^۱. این کتاب مفصل ترین کتاب پیرامون آرایه های ادبی و صنایع بدیعی قرآن است که در آن از حدود ۱۰۰ نوع صنعت بدیعی در قرآن با ذکر مثال های گوناگون یاد شده است.

و از آن است قول خدای تعالی: «أَيُّودُ أَحَدُكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ»^۱

۱. نخستین تتمیم در قول خدای تعالی: «من نخیل و اعناب»، در توضیح «جَنَّة» است، زیرا کلمه «جَنَّة» بر «درختانی انبوه، که با سایه شاخه‌هایش، زمین را بپوشاند»، اطلاق می‌شود. البته برخی درختان مانند درختان خرما و انگور، منفعتی عظیم و همگانی دارد و برخی مانند درخت خمط و اثل،^۲ فایده‌ای اندک دارند، با توجه به اینکه اگر کسی، بوستانی از خمط و اثل داشته باشد و آن بوستان آتش بگیرد، مالک آن، سخت اندوهگین می‌شود، پس وای بپوقعی که بوستانش از خرما و انگور باشد.

۲. آنگاه چون خداوند می‌دانست که باغ خرما و انگور، اگر جویها در زیر درختان آن جریان نیابد، درختش میوه نمی‌دهد و مالک آن، بهره‌ای نمی‌گیرد و حیاتی نخواهد داشت، پس خداوند برای رفع این نقص گفتارش را با عبارت: «تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» کامل نمود.

۳. خداوند پس از ذکر اوصاف آن باغ، به توصیف مالک آن پرداخته و به پیری او اشاره می‌کند؛ تا بدین طریق، نهایت اندوه او را بفهماند چرا که اگر مالک آن باغ سوخته، جوان باشد، امید طول عمر دارد و در خود نیروی کافی می‌بیند، لذا امیدوار است که بعد از سوختن آن باغ، باغ دیگری جای آن بنشاند؛ به همین دلیل که خداوند در توصیف این شخص فرمود: «وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ».

۴. از آنجا که خدای سبحان می‌داند که، اگر مالک آن باغ، پیر مردی عقیم باشد نزدیکی اجل و نداشتن کسی که بعد از او به ملک و آب او اهتمام ورزد، از فکر آن بلغ منصرف می‌کند، و اندوهش بر تباهی آن شدت نمی‌گیرد، لذا خداوند به روش تتمیم گفت: «وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ».

^۱. آیا یکی از شما دوست دارد که او را بوستانی باشد از خرما و انگور، که جویها از زیر آن روان باشد و او را در آن هر گونه میوه‌ای باشد، و پیری بدو فرارسد و او را فرزندی خرد و ناتوان باشند، پس ناگهان گردبادی آتش بار به آن بوستان رسد و بسوزد؟ بقره/۲۶۶

^۲ اثل: درخت شوره‌گز. و خمط: ترش و هر گیاهی که مزه تلخی گرفته باشد.

۳

۵. آنگاه چون خدا می‌داند که اگر ذریه را به «ضعف» موصوف نگرداند. (و لفظ ذریه را مطلق بگذارد)، احتمال دارد که ذریه، افرادی قوی باشند، که امید می‌رود بتوانند باغ از دست رفته را باز یابند، و این مطلب، اندوه مالک را بکاهد، لذا به اسلوب تتمیم گفت: «ضعفاء».

۶. آنگاه پس از توصیفات فوق، به وصف حادثه‌ای که آن باغ را نابود کرد پرداخت و گفت: «فاصابها اعصار»، و چون دانست که «اعصار»^۱ در تباهی آن تسریع نمی‌کند، (بلکه تند باد در مدتی طولانی، می‌تواند یک باغ را نابود سازد) و خدا می‌خواهد سرعت نابودیش را بیان نماید، از این رو گفت: «فیه نار».

۷. آنگاه، خدای سبحان، از میان انواع باد، «اعصار» را ذکر کرد چرا که «اعصار» عبارت است از بادهایی که گرد و خاک انبوه را برمی‌انگیزد، و استمرار آن باد، چشمه‌های آب را کور، و چاه‌ها و جویبارها را پر می‌نماید، و با سموم و سوزش خود، درختها را می‌سوزاند، و اگر با گودباد، آتشی باشد، آن آتش را در همان مکانی که هست می‌چرخاند، به طوری که آتش از جای خود باز نمی‌گردد، و به طرف دیگر حرکت نمی‌کند، لذا آنچه دستخوش آن باد است، طعمه آتش می‌شود.

۸. آنگاه چون خدای سبحان می‌داند که آتش ممکن است ضعیف باشد، و در اثر ضعف نتواند در برابر جویها، و رطوبت درختان مقاومت کند، فرمود: «فاحترقت» تا از آن احتمال پیشگیری نمود، و آن را منتفی سازد، و معنای مقصود را در عبارتی موجز تمام نماید.

استخدام :

استخدام آن است که در کلام، واژه‌ای به کار رود که بین دو معنی، مشترک باشد، آنگاه یکی از دو معنی را خود لفظ افاده کند و معنی دیگر به طور مجازی یا حقیقی از آن فهمیده شود، و آن معنای دوم، یا اعم از آن معنای اول یا اخص از آن و یا مباین آن باشد.^۲ استخدام روشی است در بیان که به توریه^۱ شبیه است. این آیه مثالی است برای استخدام: «يَا أَيُّهَا

^۱ اعصار: گرد باد.

^۲ گاه معنای دوم را ضمیری ایفا کند که مرجع آن ضمیر، لفظ مذکور باشد.

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا»^۲ منظور از صلاة در این جا همان معنای نماز است اما در این عبارت : «وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ» جایگاه نماز، یعنی «مسجد»، مورد نظر است. و نیز مانند آیه: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»^۳ مراد از شهر، هلال ماه رمضان و مقصود از ضمیر «ه» در «فلیصمه»، روزهای ماه رمضان است.

مذهب کلامی :

عبارت است از اینکه متکلم برای اثبات صحت ادعای خود، استدلال قاطعی را که نزد شنونده مسلم است بیاورد، به طوری که مقدمات استدلال پس از ارائه بطور طبیعی مستلزم جواب مطلوب باشد. مثل این آیه شریفه: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَهِةَ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^۴ در این آیه، «لازم» (که عبارت است از فساد و تباهی آسمان و زمین)، باطل است، بنابراین «ملزومش» (که عبارت است از چند خدایی) نیز باطل خواهد بود و گویاتر از این آیه نسبت به حقیقت و واقعیت وجود ندارد. این نوع صنعت بدیع به نام مذهب کلامی نامیده شده است، زیرا بر اساس روش علم کلام و علم توحید بنا شده است که عبارت است از اثبات اصول دین بر مبنای برهان های عقلی و قاطع. آیه: «قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ»^۵ نیز مثال دیگری بر این صنعت است.

^۱. توریه عبارت است از این که متکلم، لفظ مفردی را بیان کند که دارای دو معناست؛ یکی از آن دو معنا، قریب به ذهن بوده و دلالت لفظ بر آن ظاهر و آشکار است ولی مورد نظر گوینده نیست، اما معنای دیگر، دور از ذهن بوده و دلالت لفظ بر آن پنهان ولی مورد نظر گوینده است، بنابراین شنونده گمان می کند که متکلم معنای نزدیک را اراده کرده است در حالی که او معنای دور را با قرینه ای که به آن اشاره دارد، اراده نموده است.

^۲ ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که مستید به نماز نزدیک مگردید تا بدانید چه می گوئید، و نه [به نمازگاه] در حال جنابت- مگر راه گذر باشید- تا اینکه شست و شو- غسل- کنید. نساء/ ۴۳

^۳. بقره/ ۱۸۵

^۴ انبیاء / ۲۲ .

^۵. زخرف/ ۸۱

چکیده :

۱. مهمترین کتاب درباره آرایه های ادبی قرآن، «بدیع القرآن» از ابن ابی الاصبغ است.

۲. وقتی کلمه ای به جمله ای افزوده می شود، این افزودن یا در جمله ای است که اصل معنی و اوصاف آن، کامل است (که در این صورت به آن «تکمیل» گویند) و یا در جمله ای است که اصل معنی یا اوصاف آن، ناقص است (که به آن «تتمیم» گویند).

۳. در آیه: «أَيُّودُ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ»، هشت صنعت تتمیم بکار رفته است که برخی از آنها عبارتند از :
- جنت، بر درختانی انبوه از هر نوعی که باشد اطلاق می شود که با سایه شاخه هایش زمین را پوشانده است.

«من نخیل و اعناب»، برای توضیح و مشخص بودن جنت و نشان دادن پرفایده بودن آن است.

- «تجری من تحتها الانهار»، برای تمام کردن این معناست که باغ مذکور در این آیه، استعداد آن را دارد که میوه بدهد و تا زمانی طولانی پابرجا بماند .

۴. استخدام آن است که در کلام ، واژه ای به کار رود که بین دو معنی، مشترک باشد، آنگاه یکی از دو معنی را خود لفظ افاده کند و معنی دیگر به طور مجازی یا حقیقی از آن فهمیده شود.

۵. مذهب کلامی عبارت است از اینکه متکلم برای اثبات صحت ادعای خود، استدلال قاطعی را (که نزد شنونده مسلم است) بیاورد، به طوری که مقدمات استدلال، پس از ارائه، بـفـطور طبیعی مستلزم نتیجه مطلوب باشد.